

منهای فوتبال

یک تورنمنت دیگر والیبال لغو شد



با اعلام سایت رسمی فدراسیون جهانی والیبال، اعضای هیات مدیره FIVB به خاطر شیوع ویروس کرونا در جهان تصمیم به لغو مسابقات جام باشگاه‌های جهان ۲۰۲۰ گرفتند. فدراسیون جهانی اعلام کرد که با توجه به همه‌گیری جهانی ویروس کرونا و عدم اطمینان از انجام مسافرت‌ها و حضور هواداران در این رقابت‌ها، مسابقات جام باشگاه‌های والیبال جهان ۲۰۲۰ برگزار نخواهد شد. FIVB متعهد به تأمین سلامتی و رفاه خانواده جهانی والیبال است و قصد دارد تا پایان اکتبر سال ۲۰۲۰، دعوت‌نامه‌ای را به کشورها ارسال کند تا در مورد مسابقات ۲۰۲۱ نظرخواهی کند. مسابقات والیبال قهرمانی جام باشگاه‌های جهان ۲۰۱۹ مردان و زنان به ترتیب به میزبانی برزیل و چین برگزار شدند که باشگاه‌های ایتالیایی Lube Civitanova و Imoco Volley موفق به کسب مدال طلا شدند.

فرصت ۳۰ روزه برای جودو

قضات دادگاه بین‌المللی حکمیت ورزش در پایان رسیدگی به پرونده ایران به فدراسیون‌های جودو جهانی و ایران ۳۰ روز مهلت دادند تا به توافق دست پیدا کنند. وکیل پرونده ایران در پایان جلسه گفت: «اساساً سیاست و کلای فدراسیون جودو ایران بر این بود که تلاش کنند هم اعتبار شهود معرفی شده از طرف فدراسیون جهانی را زیر سوال ببرند هم این موضوع مورد توجه قرار گرفت که تا چه اندازه اقدام فدراسیون جهانی جودو علیه فدراسیون ایران با ممانی و مقررات ورزشی از جمله اساسنامه فدراسیون جودو تطابق دارد.» وی ادامه داد: «با این رویکرد پس از ارائه دفاعیات و ادله‌ای هم که از سوی وکلای طرف مقابل صورت گرفت، هیات داوران در پایان جلسه پس از استماع تمامی دفاعیات اعلام کرد که هر چند قضات دادگاه ورزش آماگدی دارند برای اینکه اعلام رای کنند، اما استثنائاً این فرصت را به روسای فدراسیون جهانی جودو و ایران دادند تا چنانچه بتوانند ظرف کمتر از ۳۰ روز به توافق و تفاهم دست پیدا کنند، دادگاه تفاهم را مبنای رأی خودش قرار بدهد، در غیر این صورت دادگاه روند رسیدگی خودش را تکمیل خواهد کرد و رأی خودش را اعلام خواهد کرد.» گفته می‌شود گفتگوی ۲۰ دقیقه‌ای که میراسماعیلی با وزیر رئیس فدراسیون جهانی داشت، در اتخاذ این تصمیم بی‌اثر نبوده است.

پاروزنان منتظر قایق‌های جدید

علیرضا سهرابیان رئیس فدراسیون قایقرانی در باره شروع اردوها، گفت: «مانحستین فدراسیونی هستیم که قرار است مسابقات قهرمانی کشور را به منظور انتخاب تیم ملی برگزار کنند. از ۳۱ شهر یور قهرمانی کشور اسلاووم راداریم و در ادامه مسابقات سایر رشته‌ها برگزار می‌شود. اردو از نفرات انتخاب شده برگزار خواهد شد.» سهرابیان همچنین در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا قایق‌ها به قشم رسیده، خاطر نشان کرد: «قایق‌ها هنوز نرسیده اما ما پیگیر هستیم. همه ملی فکر می‌کنند و جدا از سیستم برو کراسی که کار ساخت کرده همه با دید ملی کمک می‌کنند. پیچه‌ها از امکانات بهره‌مند شوند. وی درباره اینکه آیا قبل از شروع اردو تست کرونا هم می‌گیرد، اظهار داشت: «بله حتماً این کار انجام خواهد شد. ما این هزینه‌ها را پرداخت می‌کنیم چون وظیفه ماست.» رئیس فدراسیون قایقرانی در خصوص وضعیت خوابگاه‌ها برای اسکان قهرمانان، یادآور شد: «خوابگاه جدید تأسیس شده و تادو هفته دیگر بهره‌برداری می‌کنیم که دختران از آن استفاده می‌کنند. برای پسران هم خوابگاه بازسازی شده و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در اختیار ورزشکاران قرار می‌گیرد. سهرابیان در پاسخ به این سوال که فدراسیون قرار بود به ورزشکاران حقوق بدهد و این حقوق به چه کسانی پرداخت شده، عنوان کرد: «حقوق ما به مربیان و ورزشکاران مرد ادامه پرداخت شد. این حقوق به ورزشکارانی پرداخت شد که کمیته فنی معرفی کرده بود. بیش از ۱۰ نفر شامل این طرح بودند. شاید برخی‌ها بپرسند مبلغ چقدر است؟ این حقوق ناچیز است اما حقوقی که در زمان اردوی ملی قرار بود به قایقرانان داده شود با وجود عدم برگزاری اردو به حساب آنها واریز شد.»

استقلال و معضل مدیریت غیر شفاف

الکس؛ فرمانده نو!

این اواخر هر وقت صحبت از تغییر یک مربی در فوتبال ایران است، نام «الکس نوری» را هم می‌شنویم. وقتی برانکواز پر سیولیس جدا شده بود، صحبت از جذب این مربی برای قرمزها بود پس از جدایی ویلموتس از تیم ملی، نام او دوباره در بین گزیننده‌ها به گوش رسید. ماجرای پیوستن این مربی به فوتبال ایران، حالا از همیشه جدی‌تر شده و به نظر می‌رسد استقلال‌ها به زودی برای هدایت باشگاه در فصل جدید، با او قرار داد امضا خواهند کرد. شاید این نام، جذاب‌تر از برخی گزیننده‌های داخلی تیم باشد؛ اما حقیقت آن است که کارنامه نوری در فوتبال ایران، اصلاً با منورهایی که برای جذب او به نمایش می‌گذارند همخوانی ندارد.



اربابازی

حداقل از شروع فصل گذشته، مشکل استقلال هرگز یک مشکل «فنی» نبوده است. این باشگاه به شکل واضحی با مصائب خاص مدیریتی دست و پنجه نرم می‌کند و به نظر می‌رسد تا زمانی که این گره کور باز نشود، استقلال هم رنگ آرامش را نمی‌بیند. در حقیقت مشکل آبی‌ها اصلاً مربیان

نیستند. مساله کلیدی باشگاه، تفکر حاکم بر رفتارهای مدیریتی است که اجازه نمی‌دهد مربی‌ها کارشان را به درستی انجام بدهند. اگر قرار است یک تغییر و تحول جذاب در استقلال رخ بدهد، هیچ چیز به اندازه تغییر مدیران باشگاه نباید در دستور کار باشد. با این حال سعادت‌مند و رفقا همچنان در سمت‌شان باقی مانده‌اند و مشغول گرفتن تصمیم‌های بعدی برای استقلال

هستند. تازه‌ترین تصمیم آنها، امضای قرارداد با الکس نوری بوده است. جالب اینکه بین بیانیه پایان رسمی مذاکره‌ها با استراماچونی و افزایش مذاکره‌های جدید با الکس نوری، فقط چند ساعت فاصله وجود داشته است. یعنی از نگاه مدیران استقلال، هواداران فوتبال آنقدر «ساده‌لوح» هستند که باور کنند باشگاه به محض قطع مذاکره با استراماچونی، صحبت‌هایش را با الکس نوری کلید

زده و در همین چند ساعت به توافق هم نزدیک شده است. حقیقت آن است که استقلالی‌ها هرگز در روند صحبت با استراماچونی «جدی» نبودند. آنها می‌دانستند که در این پرونده شانس‌ی نازدند و در تمام این مدت به صورت چراغ خاموش با نوری صحبت می‌کردند. درست مثل روزهایی که باشگاه در ژست دروغین تلاش برای بازگرداندن استراماچونی فرو رفته بود و در عین

حال، برای جذب جانشین ایرانی او تلاش می‌کرد. ظاهر از نگاه سعادت‌مند شکست در پروژه استراما، حتی نیازمند یک عذرخواهی خشک و خالی نبوده است. او همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد مرد ایتالیایی گذاشت و عملاً شانس بردن یک جام را از استقلال گرفت تا این مربی به تیم برگردد اما در نهایت قادر به امضای قرارداد تازه با او نبود. آریا روند درست و منطقی ماجرا این نیست که پس از این شکست بزرگ، سعادت‌مند از سمتش استعفا بدهد و باشگاه را ترک کند؟ آیا او نباید به خاطر این خلف وعده تاریخی، پاسخگوی هواداران استقلال باشد؟

امسا به یک سوال مهم دیگر برسیم. اینکه الکس نوری کیست و تا امروز چه کارهایی انجام داده است؟ هواداران فوتبال ایران، کم و بیش او را می‌شناسند. یک مربی ۴۱ ساله که در سطوح پایین فوتبال آلمان بازی می‌کرد اما به عنوان مربی، جاه‌طلبی بیشتری از خودش نشان داد. مردی که در شهر بوکتسهوده در ایالت نیدرزاکسن به دنیا آمده و تا امروز رفت و آمدهای بسیار کمی به ایران داشته است. بیشتر شهرت الکساندر در فوتبال ایران، به روزهای حضورش روی نیمکت و در برمن برمی‌گردد. چندسال قبل او که سرمربی تیم دوم باشگاه و در برمن بود، برای مدتی به عنوان سرمربی موقت تیم اصلی باشگاه برگزیده شد و در یک روند موفق، جلوی سقوط این تیم را گرفت. هر چند که فقط چند هفته بعد از شروع فصل بعدی، مسئولان باشگاه عذرش را خواستند و او را از سمتش برکنار کردند.

پس از این برکناری، نوری حدود یک سال هدایت هیچ تیمی را بر عهده گرفت و در پایان این دوران، سرمربی تیم اینگولواشتات در بوندس لیگا ۲ شد. موقعیتی که برای او اصلاً «پیشرفت» محسوب نمی‌شد اما به هر حال فرصت تازه‌ای در اختیار این مربی قرار می‌دهد. درصد پیروزی الکس در این تیم روی عدد «صفر» متوقف شد. او برای هشت مسابقه سرمربی باشگاه بود و در این

پیوستن قریب‌الوقوع

الکس نوری به استقلال،

محصول دیگری از قانون

منع ورود خارجی‌ها به

فوتبال ایران است. قانونی

که نه تنها مربیان داخلی را

صاحب‌ارزش کاذب کرده،

بلکه روند بازگشت مربیان

ایرانی متولد کشورهای

دیگر را نیز به راه انداخته

است

مدت حتی یک بار هم طعم پیروزی را نچشید تا سرانجام پس از دو ماه، از سمتش برکنار شد. تجربه بعدی نوری پس از دو سال بدون تیم ماندن، به عنوان دستیار کلینمنز در هر تایلین رقم خورد. کلینزی خیلی زود استعفا داد و باشگاه برای چهار بازی به الکس نوری اعتماد کرد اما رابطه شکرآب شده با بازیکن‌ها و نتایج نه‌چندان خوب، سند برکناری بعدی او را هم امضا کرد. در واقع این مربی در سه فصل از چهار فصل مربیگری‌اش خیلی زود برکنار شده و فقط یک دوره موفقیت‌آمیز را تجربه کرده است. شاید او به کار فوتبال ایران بیاید اما استانداردهای اروپایی، اصلاً رزومه موفق ندارد.

پیوستن قریب‌الوقوع الکس نوری به استقلال، محصول دیگری از قانون منع ورود خارجی‌ها به فوتبال ایران است. قانونی که نه تنها مربیان داخلی را صاحب‌ارزش کاذب کرده، بلکه روند بازگشت مربیان ایرانی متولد کشورهای دیگر را نیز به راه انداخته است. اینکه از یک شهروند آلمان توقع داشته باشید که در فوتبال ایران به «یال» حقوق بگیرد یا با موزی از بدقولی‌ها کنار بیاید، واقعا توقع گزافی به نظر می‌رسد. بد نیست افرادی که خواب ششوم این قانون را برای فوتبال ایران دیده‌اند، از خودشان بپرسند که یکی مثل الکس نوری، چه تفاوتی با مربیان خارجی دیگر دارد؟

چهره به چهره

لیگ قهرمانان و سوء تفاهمی به نام شهر خودرو

اشتباه آمده‌اید رفقا!

ظاهر مالک و مدیران باشگاه شهر خودرو، اصلاً متوجه موقعیت باشگاه‌شان نیستند. تیمی که برای اولین بار در تاریخ فوتبال مشهد، این شهر را صاحب یک نماینده آسیایی کرده اما با چهار بازی و چهار شکست، روزهای نامیدکننده‌ای را پشت سر گذاشته است. البته که شکست هم بخشی از معادله‌های همیشگی فوتبال است و داشته‌های شهر خودرو با رقبای آسیایی‌اش قابل مقایسه به نظر نمی‌رسد اما این نتایج بیشتر از تضادهای مالی، حاصل مشکلات مدیریتی بی‌توجهی به اهمیت لیگ قهرمانان و کمی هم سهل‌انگاری هستند. همین چندماه قبل، مالک باشگاه شهر خودرو دائماً اصرار داشت تا لیگ برتر به هر قیمتی نیمه‌تمام بماند. آن هم در حالی که با نیمه‌تمام ماندن

اتفاق روز

رئیس بارسلونادر آستانه یک رسوایی تاریخی

به پایان سلام کن!

آریا هنورد

همین چندروز قبل، یکی از عجیب‌ترین اتفاق‌های ممکن در شهر بارسلونا به وقوع پیوست. پسر خوان گاسپارت رئیس اسبق باشگاه بارسا در یک سالن ورزشی با رئیس فعلی این باشگاه برخورد کرد و جمله‌ای به زبان آورد که دستاویز بسیاری از رسانه‌های اسپانیایی برای تاختن به جوزپ ماریو بار تومو بود. خوان گاسپارت برای سال‌ها به عنوان یکی از بدترین روسای تاریخ بارسا شناخته می‌شد اما حالا پسر او به محض دیدن بار تو، یک جمله شنیدنی برای آقای رئیس داشت: «منونم بار تومو. پدر من دیگر بدترین رئیس تاریخ بارسلونا نیست!»

همه شواهد، نشان از پایان دوران کاری بار تومو در بارسلونا دارند. پس از ماجراهای عجیبی که برای ساندرو راسل رقم خورد و او را وادار به کناره‌گیری از مسئولیتش در باشگاه کرد، بار تومو به عنوان رئیس موقت این باشگاه در نظر گرفته شد. به نظر نمی‌رسد دوران ریاست او زمان زیادی طول بکشد اما موفقیت بزرگ تیم لوئیس انریکه و

اماد عمل، باشگاه را با بدترین شرایط ممکن به لیگ قهرمانان آسیا فرستاده است. اگر امثال حمیدای به هر دلیلی قدرت لازم برای کار کردن در فوتبال را ندارند، بهتر است باشگاه را به بخش دولتی برگردانند. شاید در این صورت، شهر خودرو حداقل به رنگ تفریح تیم‌های دیگر در آسیا تبدیل نشود. سیر تکاملی تصمیم‌های شهر خودرو، دائماً به سمت بد و بدتر شدن می‌رود. این همه تصمیم بد در طول یک فصل، واقعاً شاکر به نظر می‌رسد. باشگاه با بچی گل محمدی شرایط خوبی داشت و می‌توانست یک تیم غافلگیرکننده در آسیا باشد اما به سادگی هر چه تمام‌تر، این مربی را از دست داد. آقای حمیدای با آن همه ادعا، تسلیم یک تماس تلفنی از بلا شد و سرمربی‌اش را در طبق اخلاص گذاشت. اتفاق دیگری که در این باشگاه رقم خورد، از دست دادن چند مهره کلیدی بود. نفراتی مثل میلاد سرلک یا محمدحسین مرادمنند بدون هیچ مشکلی شهر خودرو را ترک کردند و هیچ تلاشی برای جذب جایگزین این نفرات انجام نشد.



باشین تصمیم‌بدهی بهترین و پر تجربه‌ترین بازیکنش را هم از دست داد و ناچار شد با گلرهای بسیار جوان به مصاف حریف آسیایی‌اش برود. شرایط جدول این گروه می‌توانست طور دیگری باشد اما کار تیم مشهدی و آسیا، با چند تصمیم فاجعه‌بار خیلی زود تمام شده است. در منطقه غرب آسیا، آنها اولین تیمی هستند که لیگ قهرمانان را ترک می‌کنند.

اشتباه استراتژیک دیگری که شهر خودرو را با یک بحران آسیایی روبه‌رو کرد، انتخاب سیدمهدی رحمتی برای سرمربیگری تیم بود. نه اینکه رحمتی مربی خوبی نباشد اما اصلاً تجربه کار کردن در چنین موقعیتی را نداشت. از همه بدتر اینکه چنین انتخابی، عملاً فرصت استفاده از یک گلر استاندارد را از تیم گرفت. در واقع شهر خودرو

پیشنهادهای ۴۰ میلیون یورویی برای جدایی داشت. بارسا در خرید نفرات جدید هم تا امروز اصلاً موفق نشان نداده و هنوز هم مشغول سبک و سنگین کردن گزینه‌های موجود است. همه این‌ها، آقای رئیس را در معرض یک رسوایی بزرگ قرار داده است. بعید نیست او حدود ۶ ماه قبل از پایان رسمی دوران مدیریت، با تصمیم اکثریت اعضای رسمی بارسا «استیضاح» شود.

فراتر از یک حرکت. این نام جنبشی است که برای پایان دادن به دوران مدیریت بار تومو در بارسا تلاش می‌کند. بر اساس شیوه‌نامه باشگاه بارسلونا، اگر ۱۶۲۵۰ نفر از اعضای رسمی نامه «عدم اعتماد» به رئیس باشگاه را امضا کنند، این رئیس در معرض برکناری بی‌واسطه و سریع قرار خواهد گرفت. تلاش برای جمع‌آوری امضا حدود ۱۰ روز ادامه داشت و در روزهای پایانی، عملاً یک توفان سهمگین اتفاق افتاد و تعداد امضاها حتی از ۲۰ هزار نیز عبور کرد. کمپین برکناری بار تو به این دلیل به سراغ امضاها بیشتر رفت که حتی اگر تعدادی از این درخواست‌ها از سوی باشگاه مردود اعلام شود، باز هم مشکلی برای برکناری آقای رئیس وجود نداشته باشد. افرادی که این جنبش را آغاز کرده‌اند، باور دارند که بار تومو بدترین رئیس تاریخ بارسلونا بوده و دوره او اصلاً نباید در مهلت قانونی و به شکلی مسالمت‌آمیز به پایان برسد. پیش از این یک بار در سال ۲۰۱۷، چنین اتفاقی توسط